در تاریخ ۰۹ اسفند ۱۳۹۱
جهاد ابتدايي

جلسه 32

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بررسی نکات آیات 1 تا 16 مبارکه توبه، دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

درباره آیات شریفه سوره مبارکه توبه چند جلسه تا به حال بحث کردیم.

در آیه اولی فرمود اعلام برائت کن از ناحیه‌ی خدا و رسول با مشرکینی که با شما مسلمان‌ها پیمان بستند و چهار ماه به اینها مهلت بده.

در آیه دوم اعلام برائت در پیش عموم مردم نسبت به برائت از جمیع مشرکین بود.

در آیه سوم یک استثنایی زد که با آن مشرکینی که عهد بستی و این عهدشان را نشکستند و کسانی را علیه شما مسلمان‌ها حمایت نکردند (فَأَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ) عهد اینها را تا پایان مدّتشان تمام کن.

در آیه پنجم می‌فرماید (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ)

نکته اول: بررسی وجه الجمع بین آیات یک تا پنج توبه؛

حالا سؤال این است که گفتیم مراد از این اشهر حرُم همان چهار ماهی است که مهلت داده شده، اشهر حرم در اینجا آن اشهر حرُمی که در فقه می‌گویند (رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرم) نیست، اشهر حرم یعنی در اینجا آن چهار ماهی که قرار شد به مشرکین مهلت بدهید. جمع بین این آیات چطور می‌شود؟

در آیه اولی یعنی در بحث گذشته رسیدیم به این سؤال که وقت نبود و بحث را دنبال نکردیم، در آیه اولی می‌فرماید با مشرکینی که عهد بستی، عهد را بشکن تا چهار ماه به اینها مهلت بده. در آیات بعد می‌فرماید برائت از مشرکین داشته باش با مشرکینی که عهد بستی (ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا) مشرکینی که عهد بستید و پیمان را نشکستند اینها را صبر کن تا پایان مدتشان، یعنی اگر مدتشان هم یک سال است، یک سال، اگر شش ماه صبر کنید. در آیه پنج می‌فرماید: (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) ظهور در این دارد که تفریع بر آیه قبل است، در آیه قبل می‌فرماید: (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ) با اینها تا پایان مدّتی که عهد بستی به عهدت وفا کن، بعد می‌فرماید: (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ)

به نظر می‌رسد که (فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) تفریع بر آیه چهارم نیست، این تفریع بر همان آیه دوم است. در آیه اول فرمود (بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُواْ فِي الأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ) بعد در این وسط حکم یک گروه دیگر از مشرکین را خدا بیان کرده دو مرتبه (فَإِذَا انْسَلَخَ) تفریع بر آیه دوم است.

نتیجه این است که در این پنج آیه فعلاً محور بحث مشرکینی است که با آنها عهد بسته شده، منتهی مشرکینی که عهد بسته شدند دو گروه‌اند؛

گروه اول: آنهایی هستند که پیمان را نشکستند و دیگران را علیه مسلمان‌ها تقویت نکردند اینها را خدا می‌فرماید (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ) مدتشان هر چه هست؟ شش ماه، یک سال یا دو سال،

گروه دوم: اما آن مشرکینی که عهد بستند و آدم‌هایی هستند که از ظواهر امر استفاده می‌شود که می‌خواهند پیمان را بشکنند و یا یک کارهایی هم کردند و بعضی‌هایشان پیمان را هم شکستند و در نتیجه خدای تبارک و تعالی با (بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ) می‌فرماید دیگر تو هم با اینها پیمانی نداری! حالا که پیمانی نیست (فَسِيحُواْ فِي الأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ)، چهار ماه به اینها مهلت بده.

پس ما از این پنج آیه‌ای که در اینجاست این استفاده را می‌کنیم؛ مشرکینی که با مسلمان‌ها عهد بستند و به عهدشان وفا کردند اینها را خدا می‌فرماید: این عهد باقی است (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ)؛ ولی مشرکینی که عهد بستند اما پیمان شکنی کردند که ما در دو سه جلسه‌ی قبل عرض کردیم اینجا خدا یکطرفه پیمان را می‌شکند چون می‌داند اینها می‌خواهند پیمان شکنی کنند یا قرائنی در اینها وجود دارد برای شکستن پیمان. خدا می‌فرماید: اول عهد کنار می‌رود و بعد از آن چهار ماه با به اینها مهلت بده، بعد از این مدت حکمش را بیان می‌کنی؛

واقعاً قرآن یک نورانیّت عجیبی دارد و خدا باید لطف کند که انسان با قرآن مأنوس باشد. گاهی اوقات خدمت والدمان(رضوان الله تعالی علیه) که می‌رسیدم در همین ایام کسالت‌شان که نمی‌توانست مطالعه کند، می‌فرمودند سه چهار روز است تمام وقت در این آیه دارم فکر می‌کنم و بعد دو سه تا بحث را مطرح می‌کردند که چرا این کلمه اینطور است؟ و بحث می‌شد و بعد آخرش می‌فرمودند چقدر قرآن کتاب عجیبی است و ما از قرآن دوریم! باید آیه را اینقدر نگاه کرد و دقت کرد و از خداوند استمداد کند تا بفهمد که مراد خدا چیست؟

حالا رسیدیم به این (فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) به ادبا بگوئیم، می‌گویند این تفریع بر ما قبل است، ما قبلش مشرکینی است که به عهدشان وفادارند، خدا می‌فرماید: (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ)، این با (فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) چه ارتباطی می‌تواند داشته باشد؟ لذا باید بگوئیم این (فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) تفریع بر آیه دوم است، (فَسِيحُواْ فِي الأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ)، بعد از (أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ) چی؟ (فَإِذَا انْسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) وقتی اشهر حرم تمام شد بعد (فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ).

وقتی این تفریع بر آن شد نتیجه این شد که این چهار ماه مهلتی است که خدا به مشرکینی که با مسلمان‌ها پیمان بستند و چون آنها اهل پیمان شکنی بودند خدا فرمود (بَرَاءَةٌ...)، یعنی دیگر بین ما و آنها پیمانی نیست.

این است که در آیه سوم (أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ) آن مشرکینی که عهد ندارند هیچ مهلتی به آنها داده نمی‌شود، پس سه گروه در اینجا وجود دارد:

گروه اول: مشرکینی که عهد دارند و پیمان شکنند، چهار ماه به ایشان مهلت داده شد؛

گروه دوم: مشرکینی که عهد دارند و بر این عهدشان وفادارند (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ)

گروه سوم: اما یک شقّ سوم هم مشرکینی که اصلاً هیچ عهدی ندارند، (أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ)، که به اینها مهلت داده نمی‌شود (فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ إِلاَّ الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئاً وَلَمْ يُظَاهِرُواْ عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ...)

پس مجموعه‌ی این سه گروه را از این آیات شریفه به خوبی درآمد، هیچ اختلافی هم بین‌شان وجود ندارد (فَإِذَا انسَلَخَ) را هم تفریع بر آیه دوم باید بگیریم. در این آیه «بَراءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» یعني مشرکینی که پیمان شکن هستند، مشرکینی که علیه مسلمان‌ها دارند توطئه می‌کنند، (بَراءَةٌ) یعنی ما دیگر عهدی با اینها نداریم ولو تا به حال (بَراءَةٌ) را در تفاسیر و ... به معنای «رفع الأمان» بیان می‌کنند که در جلسه گذشته هم گفتیم برائت به معنای «رفع الأمان» است که از آن مسئله قتل هم استفاده می‌شود.

علامه طباطبایی(قده) می‌فرماید: «فالمراد بالآیة القضا برفع الأمان» ما هم عرض می‌کنیم مانعی ندارد ولی باز تأکید بیشتر «رفع العهد» است یعنی شما مسلمان‌ها با مشرکین عهدی بستید، یک گروه از مشرکین که اهل پیمان شکنی هستند (بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ)، مثل این است که دو نفر که با هم برادر هستند می‌گویند دیگر بین من و شما برادری نیست، اینجا (بَراءَةٌ) یعنی «رفع الأمان، ... عمده این است که «رفع العهد هم هست و ما با این گروه عهدی نداریم.این گروه را چکار کنیم؟ به خود مشرکین می‌فرماید شما چهار ماه در زمین بگردید که از آن تعبیر به اشهر سیاحت می‌شود.

حالا می‌آئیم سراغ آیه سوم؛ در این آیه اعلان برائت از جمیع مشرکین است بدون اینکه به ایشان مهلت داده شود (أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ)، نسبت به همه‌ی مشرکین اعلام برائت عمومی است. همه‌ی مشرکین یعنی به ایشان دیگر مهلت ندهید، (فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ). اما حالا یک استثنا می‌زند و می‌گوید مشرکینی که با شما عهد بستند و به عهد خودشان وفا کردند (فَأَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ)، اینها به مدت خودشان ... شما وفا کنید به عهد با اینها تا زمانی که با اینها عهد بستید.پس گروه اول روشن شد، مشرکینی که پیمان شکن هستند. گروه دوم مشرکینی که اصلاً پیمان ندارند، مشرکینی که پیمان ندارند (أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ).

ما در جلسه گذشته در ذهنم می‌آید مرحوم علامه طباطبایی(قده) فرمود: فرق آیه سوم و آیه اول و دوم این است که در آیه سوم می‌فرماید (أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ)، اما آنجا دارد (إِلَى الَّذِينَ عاهَدْتُمْ). در آیه سوم دارد (يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ)، ولی اینجا (يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ) ندارد، ولی می‌خواهیم عرض کنیم اصلاً موضوع آیه سوم با موضوع آیه اول و دوم فرق دارد. آیه اول و دوم موضوعش مشرکینی است که با مسلمان‌ها پیمان دارند و این پیمان خودشان را نقض کردند، خدا می‌فرماید ما با اینها پیمانی نداریم. به اینها می‌فرماید چهار ماه مهلت دارید. اما ایه سوم مشرکینی است که عهد ندارند، (فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ) خدا به آنها مهلتی نمی‌دهد.

در آیه چهارم هم می‌فرماید مشرکینی که پیمان دارند به پیمان خودشان وفا کردند اینها (فَأَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ)، به نظر من آیات خیلی معنایش واضح است طبق بیانی که ما داریم عرض می‌کنیم دیگر هیچ مشکل و تهافت ظاهری ندارد. می‌گوئیم آنجا مشرکینی است که پیمان شکنند، اینجا مشرکینی است که (لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا) نکته مهم این است که این «فاء» تفریع بر آیه

دوم است، این تفریع بر آیه چهارم نیست (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ) ما تا اینجا پیش آمدیم؛

نکته دوم: بررسی یک احتمال از منظر مختار؛

اما یک احتمالی هم می‌خواهیم عرض کنیم که این احتمال هم در تفاسیر نیست.

احتمال اول: اگر اشهر حرم را به چهار ماه اول در آیه دوم زدیم، چاره‌ای نداریم که این تفریع بر آن آیه باشد بگوئیم (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ) این تفریع بر آن آیه است،

احتمال دوم: اما اگر گفتیم عنوان اشهر حرم که عنوان عامی است یعنی هم چهار ماه را می‌گیرد و هم آن اشهری که با مشرکین پیمان بستید و الآن من به شما گفتم (أَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ) یعنی مادامی که طبق دستور ما چهار ماه و یا طبق پیمانی که داریم و گفتیم به پیمان وفا کنید یک سال. (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ)، یعنی نگوئیم اشهر حرم خصوص آن چهار ماه است که آن وقت تفریع بر آن می‌شود.

ما اگر اشهر حرم را به آن چهار ماه برگردانیم، (فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ) مشرکینی می‌شوند که پیمان را نقض کردند و اگر اشهر حرم را به این چهار ماه برگردانیم مراد این است. اما طبق این احتمالی که الآن عرض کردیم و به نظر من احتمال بعیدی هم نیست (فَإِذَا انسَلَخَ الأَشْهُرُ الْحُرُمُ)، حالا دارد یکجا و یک پارچه اشهر حرم، چه آن چهار ماه و چه آنهایی که مدت داریم، وقتی تمام شد حکم این است که توبه نکردند و اسلام نیاوردند (فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُ)، هر جا که اینها را پیدا کردید بگیرید و محصور کنید و در هر مرصد و کمینگاهی بنشینید و در کمین اینها باشید، اگر توبه کردند! یعنی اسلام آوردند حالا ما بعداً می‌خواهیم از اینها برای جهاد ابتدایی استفاده کنیم، اسلام آوردند، اقامه نماز کردند و زکات دادند دیگر کاری به کارشان نداشته باشید و راهشان را باز بگذارید (إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)

جلسه‌ی آتی: بررسی تخییر یا تشدید در فراز «حیث وجدتموهم» و «خذوهم»؛

باز اینجا چند نکته وجود دارد، این (حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُ) و یا (خذوهم) آیا تخییر است؟ یعنی امر مشرکین حالا دست شماست و اینها را بکشید، زندان کنید، این اختیار با شماست، یا اینکه این یک نوع تأکید و تشدید برای برخورد با مشرکین و از بین بردن آنهاست، آیا تخییر است یا تشدید است؟ تشدید بر مشرکین که این را ان شاء الله اگر توفیقی بود هفته آینده عرض می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین